

قرآن و اتحاد اسلامی



چکیده

ایجاد اتحاد میان آحاد مسلمانان در سراسر جهان، از آرمان‌های اصیل اسلام است. انسجام اسلامی از اصول راهبردی مورد توجه قرآن و سیره نبوی و ائمه اطهار علیهم‌السلام است که در بیانات بنیانگذار وحدت بزرگ اسلامی حضرت امام خمینی (ره) نیز بدین بیان تجلی کرده است: «اسلام در دو کلمه خلاصه می‌شود: کلمه توحید و توحید کلمه».

در این مقاله بر آنیم که به تبیین نقش وحدت اسلامی، آثار، مؤلفه‌ها و مبانی و مصادیق قرآنی آن و نقش آن در اعتلای نظام اسلامی بپردازیم.

واژگان کلیدی: وحدت ملی، انسجام اسلامی، امت واحده، الفت و اخوت اسلامی، برادری دینی.

مقدمه

انسان در طول قرون و اعصار به اهمیت زندگی اجتماعی پی‌برد و با همگرایی و وحدت، اقوام پدیدار شدند و برای حفظ آسایش و امنیت خود، ناچار گروهی به عنوان جنگاور، وظیفه رزم و دفاع را برعهده گرفتند و با گذشت زمان، شیوه‌های تهاجم و دفاع نیز پیچیده شد. با این همه، همواره ملتی پیروز میدان‌های نبرد بوده که با هم اتحاد داشته و دارای عزت نفس بوده است. برای شکل‌گیری امت اسلامی، پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر پایه آموزه‌های قرآنی، نخست به بازسازی بینشی و نگرشی قوم اقدام کرد و برای دستیابی به این مهم، در مفاهیم نیز دست برد و با استفاده از واژگان موجود به تدریج مفاهیم جدیدی را به مردمان القا کرد. از جمله

اصطلاحاتی که در فرهنگ اسلامی بیانگر همدلی و همگرایی و همفکری امت اسلامی است، اصطلاح «انصار» است. به بیان دیگر، بهترین شاهد برای امت‌سازی قرآنی پیامبر، همدلی و همگرایی است که در شکل و قالب انصار در مدینه شکل گرفت.

قرآن ضمن اینکه یکی از اهداف پیامبر را «امت‌سازی» می‌نامد، امت اسلامی در عصر پیامبر را بهترین امت و جامعه‌ای دانسته است که تا آن زمان تشکیل شده بود.^۱ از ویژگی‌هایی که قرآن برای امت نمونه و شاهد بیان می‌کند، این است که بر کارهای یکدیگر نظارت دارند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند،^۲ تعاون بر خیر و تقوا در میان ایشان اصالت دارد: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾، برادری ایمانی در میانشان به اندازه‌ای است که از خود می‌گذرند و ایثار می‌کنند، در جستجوی وضعیت یکدیگر به تجسس و جاسوسی اقدام نمی‌کنند، غیبت و تهمت و افترا در میانشان نیست، اختلافات کلی و جزئی را با حکمیت و یا رجوع به قانون حل و فصل می‌کنند، در میانشان شمشیر قضاوت نمی‌کند، جان و مال و آبروی یکدیگر را محترم می‌شمارند، امنیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی را برای یکدیگر و جامعه فراهم می‌آورند، عوامل پدیدآورنده آرامش و آسایش در جامعه را تقویت می‌کنند، در همه

امور اصل بر تقوا و عدالت و قسط نهاده می‌شود، عفو و گذشت را حتی در مورد قاتل در نظر می‌گیرند و اصالت را به قصاص و قتل نمی‌دهند؛ هر چند قصاص و امور دیگری از این دست حشاشان است و به یک معنا از حق خویش برای تقویت همبستگی می‌گذرند، اصول همدلی و همراهی را در خود تقویت می‌کنند، از یکدیگر انتقام نمی‌گیرند و ...

قرآن افزون بر اینکه به مسئله اتحاد از دیدگاه اجتماعی آن نگریسته و بر اهمیت آن در میان انسان‌ها و ادیان توحیدی و مؤمنان واقعی تأکید کرده است، پیوندها و همبستگی امت اسلام و مؤمنان را نوعی «تصرف الهی» برمی‌شمارد.

بنابراین اتحاد در کاربردهای قرآنی از چنان جایگاه خاص و ویژه‌ای برخوردار است که از آن به عنوان نعمت خاص یاد می‌کند و خداوند را در ایجاد آن به طور مستقیم دخیل می‌داند. همچنین از مؤمنان می‌خواهد تا با یادآوری دوران تلخ تفرقه و آشوب، در حفظ اتحاد بکوشند؛ زیرا اتحاد میان امت مؤمن به خواست خداوند شکل گرفته است: ﴿وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا﴾.^۳ از اینکه قرآن در آیه مذکور به مسئله دشمنی میان

مردمان اشاره دارد. می توان دریافت که دشمنی و اختلاف موجود در میان مردم موجب می شد که آنان نتوانند حتی در این جهان از آثار و برکات اتحاد بهره مند شوند. در نگرش قرآنی «اتحاد» انسان ها از چنان جایگاه و ارزش خاصی برخوردار است که قرآن در پنج آیه به صراحت این نکته را مورد توجه قرار می دهد که اگر مصلحت ایجاب می کرد، خداوند با اراده تکوینی خود، همه مردم را امتی یکپارچه قرار می داد.^۴

آثار اتحاد از دیدگاه قرآن

آثار اتحاد از دیدگاه قرآن از مهم ترین و شاخص ترین عناصر زندگی بشر است که انسان به عنوان امری راهبردی در زندگی خویش خواهان دستیابی به این آثار است. از جمله این اهداف و عناصر می توان به «امنیت و آرامش اجتماعی و سیاسی» اشاره کرد. قرآن تبیین می کند که مهم ترین دستاورد اتحاد هر جامعه ای، حفظ صلح و آرامش و امنیت و دور ماندن از جنگ و خونریزی و جدایی و تفرقه است؛ زیرا اتحاد در جامعه جهانی، حس نوع دوستی و همکاری متقابل را تقویت می کند و همه فتنه های اجتماعی را که از برتری جویی نژادی سرچشمه می گیرد، از میان می برد؛ چنان که اتحاد میان مؤمنان و پیروان ادیان آسمانی از تنش و درگیری میان آنها می کاهد.

قرآن از تفرقه به عنوان کرانه های گودال آتش جهنم یاد می کند.^۵

از دیگر آثاری که قرآن برای اتحاد برمی شمارد، استواری و حفظ هیمنه و استحکام جامعه است. هنگامی که جامعه از اختلاف دست بردارد و تنازع را به کناری نهد، دل ها به هم نزدیک و صفوف آنها منسجم و مستحکم می گردد؛ به گونه ای که خللی در میان نمی ماند تا دشمن از آن نفوذ کند و به جامعه ضربه زند. قرآن با اشاره به آثار اختلاف در میان مردمان می فرماید: ﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا﴾^۶ در این تحلیل، علت و سبب شکست جامعه، وجود اختلافات و درگیری ها دانسته شده است که مفهوم دیگر آن می تواند چنین باشد که اتحاد، عامل انسجام و وحدت صفوف و در نتیجه، پیروزی است.

مؤلفه های اتحاد

قرآن برای دستیابی به اتحاد به اموری اشاره می کند که می توان از آنها به عنوان عوامل بیرونی و درونی اتحاد یاد کرد. از آنجا که روش و هدف واحد به عنوان اصلی ترین مؤلفه های اتحاد و اتفاق مطرح هستند و بی آن، امت پدید نمی یابد، قرآن پذیرش کامل دین اسلام را مهمترین عامل اتحاد بر می شمارد؛ زیرا با انتخاب آن، اتحاد روشی و هدفی کامل میان

مجموعه ای که قرآن از آن به عنوان امت اسلامی یاد می کند، تحقق می یابد.^۷

تأکید قرآن بر پذیرش کامل - که در آیه ۲۰۸ سوره بقره به آن اشاره شده است - به این معناست که ایمان به بخشی از دین و فروگذاری بخشی دیگر، به مثابه اختلاف و دامن زدن به آن است که نمی تواند عاملی برای اتحاد شمرده شود، به ویژه آنکه بسیاری از اختلافات در جوامع به جهت پذیرش ناقص دین و مکتب پدید می آید. از این روست که قرآن پذیرش ناقص دین را مذموم می داند و از آن انتقاد می کند و بر چنین روشی وعده عذاب می دهد؛^۸ چون مهم ترین عامل اختلاف در میان ادیان و جوامع دینی بلکه انسان ها، «عدم پذیرش کامل دین» است.^۹

قرآن از عدم پیراستگی درونی انسان ها به عنوان مانع مهم اتحاد نام می برد و از مردمان می خواهد تا با تزکیه نفس و پیروی از اصول تقوا و تقویت هنجارهای اجتماعی، اتحاد را در جامعه گسترش دهند؛ زیرا وجود خصلت های ناپسندی چون: حسادت، تکبر، کینه توزی، لجاجت، شهرت طلبی، دنیا پرستی، غیبت و تهمت می تواند عامل مهمی در ایجاد اختلاف و تفرقه میان مردمان باشد.^{۱۰}

تأکید قرآن بر احسان، نیکوکاری، انفاق و دیگر رفتارهای پسندیده و معروف به عنوان

تأکید بر عوامل اتحاد است؛ زیرا افرادی که در حق دیگری نیکی می کنند و از مال و جان خویش می گذرند و به نیازمندان و مستمندان کمک می کنند، بستر و زمینه مناسبی برای اتحاد و همدلی فراهم می سازند. البته قرآن به این نکته هم اشاره می کند که دشمن درون و بیرون از جنی و انسی بیکار نمی نشیند و می کوشد که با بهره گیری از نقاط ضعف و مشکلات و دشواری های پیش آمده، تخم عناد و دشمنی را در میان جامعه بپراکند و مردمان را به تنازع و درگیری بکشاند. دشمنان با آنکه در میان خود دارای اختلاف بسیاری به جهت تضاد روشی، هدفی و منافی اند، ولی در برابر مؤمنان متحد می شوند و دسته جمعی می کوشند تا اسباب شکست و نابودی مؤمنان را فراهم آورند و از این روست که به عنوان مانعی مهم در سر راه اتحاد امت اسلامی مطرح می شوند.^{۱۱}

مصادیق قرآنی اتحاد ملی و انسجام اسلامی

وحدت و انسجام اسلامی در تمامی منابع اسلامی به ویژه در قرآن، سیره نبوی و علوی همواره مورد تأکید بوده است. به این آیات و روایات توجه کنید:

۱. ﴿وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾^{۱۲}

۲. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^{۱۲}

۳. «هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِنَصْرِهِ وَيَا الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^{۱۳}

۴. «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»^{۱۴}

۵. «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ»^{۱۵}

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «من فارق جماعة المسلمين فقد خلع ريقه الاسلام من عنقه، (قیل: یا رسول الله و ما جماعة المسلمين؟) قال: جماعة أهل الحق و إن قلوا: هر کس از اجتماع مسلمانان دوری کند، ریسمان اسلام را از گردن خود باز کرده است. گفته شد: مراد از جماعت مسلمانان چیست؟ فرمودند: حق گرایان؛ اگر چه در اقلیت باشند».

امام علی علیه السلام در وصیت خود به امام حسن علیه السلام می فرماید: «أوصیک یا حسن و جمیع ولدی و أهلی و من یبلغه کتابی بتقوی الله ربکم و لاتموتن الا و أنتم مسلمون اعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا».

در بیانات امام خمینی (ره) نیز رساترین دستورهای اسلام را در مورد اتحاد بدین مضمون می یابیم که: «اسلام دستور داده و فرموده است: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا». همه با هم، تمام اقشار با هم، اعتصام به حبل الله، با توجه به خدای بزرگ همه باید پیش برویم، تخلف از این دستور الهی جرم است، گناه است. دستور اسلام است که همه باید معتصم به حبل الله باشیم».

«ملت‌ها و دولت‌ها اگر بخواهند به پیروزی و هدف‌های اسلامی به تمام ابعادش که سعادت بشر است برسند، باید اعتصام به حبل الله کنند، از اختلافات و تفرقه بپرهیزند و فرمان حق تعالی را اطاعت کنند».

با توجه به مبانی بالا، به نظر می رسد که نه تنها طرح وحدت و انسجام اسلامی طرحی راهبردی و یکی از اصول مهم مورد توجه قرآن و سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار است، بلکه بنا به فرموده حضرت امام خمینی که همیشه می فرمود: «اسلام در دو کلمه خلاصه

می شود: کلمه توحید و توحید کلمه»، می توان معتقد بود که اصل وحدت و انسجام اسلامی در کنار اصل توحید، از مهم ترین مبانی نظری و عملی جمهوری اسلامی ایران است.

انسجام از منظر قرآن و اهل بیت علیهم السلام

۱. صفات یاران پیامبر صلی الله علیه و آله

قرآن کریم، صفاتی برای یاران پیامبر صلی الله علیه و آله برمی شمارد که تلاش برای تخلیق یافتن همیشگی و مستمر به آنها، باعث می شود تا مسیر هدایت و وحدت برای ما هموارتر گردد. این صفات عبارت‌اند از:

۱-۱. شدت عمل و سخت‌گیری بر کفار، به این معنا که از آنها تأثیر منفی نگیرند و همواره با کسانی که به هر شکلی می خواهند وحدت را خدشه دار کنند، کنار نیایند.

۱-۲. مهربانی، کمک و ایثار در برابر برادران دینی خود.

۱-۳. عبادت آگاهانه و عاشقانه، از خصایص بیروان آن حضرت است. اینان به دنبال عبادت کورکورانه و یا ریاکارانه نیستند؛ زیرا عبادتی که منشأ آن یکی از این دو باشد، نمی تواند اثر وضعی بر روح و روان و سیمای این مؤمنان بگذارد.

۲. نزاع نکنید

خداوند تبارک و تعالی در آیه دیگری از قرآن می فرماید: «از خدا و فرستاده اش پیروی کنید و

نزاع نکنید؛ زیرا سست می شوید و شکوه و جلالت شما از بین می رود»^{۱۷}.

در این آیه چند نکته حائز اهمیت است:

۲-۱. برای اینکه تفرقه به وجود نیاید، وجود و حضور قانون و رهبر لازم است. قانون کامل و جامع باعث می شود تا اختلافات و درگیری‌ها به حداقل برسد و بعد از آن وجود رهبر و فرمانده باعث می شود تا نواقص و ضعف‌های قانون، موجب اختلاف نشود.

۲-۲. در مسیر وحدت، به صبر و شکیبایی نیاز است؛ زیرا گاهی موضوعی خلاف میل ماست و باید برای آنکه نظم امور مسلمانان بهم نخورد، از خواسته شخصی و یا حزبی عدول کنیم و مسئله را تا زمانی که طرح آن به وحدت ضرر بزند، به تعویق بیندازیم.

۲-۳. تعویق خواسته، حتی جایی که انسان بر حق باشد، نیازمند ایثار، و یکی از مظاهر جهاد اکبر و مبارزه با نفس است؛ همان گونه که حضرت علی علیه السلام چنین بود و استخوان در گلو و خار در چشم، همه آن شرایط را تحمل کرد.

۲-۴. اختلاف و درگیری، کاهش کارایی را در پی دارد. توجه به موضوعات مورد نزاع حزبی یا فردی، از توجه به مسائل عام المنفعه می کاهد و همچنین وقتی انسان متوجه امور احساسی شد، از توجه به امور کارشناسی و اقدامات پژوهشی باز می ماند که هر دو باعث کاهش کارایی و عدم استفاده بهینه از منابع مختلف می شود.

۲-۵. این آیه اشاره به نزاع و درگیری لفظی میان گروهی دارد؛ یعنی اگر مسلمانان برای موضوعات پیش پا افتاده با هم درگیر شوند، هم از مکر و توطئه دشمن غافل می‌شوند و هم توان اجرایی و فکری آنان کم می‌شود؛ در نتیجه، دشمن طمع می‌کند.

گاهی اوقات بر اثر بی‌تدبیری، نزاع لفظی و درگیری صورت می‌گیرد و یا اموری اتفاق می‌افتد که ضربه آن از حمله دشمن بدتر است. پس طمع و هجوم دشمن نتیجه رفتار ماست و «خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنها خود، سرنوشتشان را تغییر دهند»^{۱۸}

۲-۶. این آیه به جدال‌ها و نزاع‌هایی اشاره دارد که منفعتی ندارند. اما بیان دیدگاه‌ها با توجه به ضرورت و اقامه دلیل و همراه با انصاف، نه تنها به زیان جامعه نیست، بلکه مطلوب و باعث روشن شدن نقاط ضعف و چاره‌اندیشی برای آن است. با توجه به این سه اصل، دولت‌مردان، اهل قلم، متخصصان و ... وظیفه شرعی و ملی دارند تا در قبال اقداماتی که با ادله علمی مخالف است، نه تنها سکوت نکنند بلکه فریاد برآورند و ضمن موشکافی ضعف‌ها، به راهکارهای عملی توجه کنند و با نقدهای منصفانه راه را برای توسعه و شکوفایی بگشایند.

۳. عبرت از سرنوشت دیگر امت‌ها

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «از بلاهایی که به سبب اعمال زشت و نکوهیده بر سر ملت‌های پیش از شما آمد، بپرهیزید و احوال خوب و بد آنان را به یاد آورید... اگر در احوال نیک و بد آنان بیندیشید، همان کاری را انجام دهید که عزیزشان کرد... و از کارهایی که پشت آنان را شکست و قدرت آنان را از بین برد، دوری کنید»^{۱۹}

در این خطبه، حضرت امیر علیه السلام به موضوعات مختلفی از جمله: علو شأن خداوند، نکوهش صفت تکبر، دشمنی شیطان، نکوهش اخلاق جاهلی، پرهیز از سران متکبر و خودپسند، ضرورت عبرت از گذشتگان، فلسفه عبادت، علل پیروزی و شکست ملت‌ها و ... اشاره فرموده و در یک فراز از آن، علل پیروزی و شکست ملت‌ها را بیان کرده است. آن حضرت عمده‌ترین آن علل را تفرقه، کینه‌توزی، دشمنی و یاری نکردن همدیگر می‌داند که اگر در جامعه‌ای این امور اتفاق بیفتند، شکست آن جامعه حتمی است و هیچ کس جز خود را نباید ملامت کرد.

در واقع باید علت سقوط دولت‌ها و ملت‌های مختلف دنیا را دریافت و برای آنکه این اتفاق برای خودمان پیش نیاید، باید تمهیدات لازم را با واقع‌بینی و تدبیر فراهم کرد.

۴. پرهیز از تعصب

پیامبر عظیم الشأن اسلام فرمود: «کسی که تعصب بورزد یا به وی تعصب بورزند، حلقه ایمان را از گردن خویش باز کرده است»^{۲۰}
این روایت حاوی نکات بسیاری است که آن را تقدیم می‌کنیم:

۴-۱. تعصب: یعنی اصرار و پافشاری بدون دلیل و استدلال، برای انجام یا ترک موضوعی که منشأ آن، جهل و نادانی است.

۴-۲. کسی که متعصب است و به عقل و استدلال توجه نمی‌کند، در واقع ایمان ندارد؛ زیرا ایمان ریشه در عقلانیت و آگاهی دارد. مسلمان تا زمانی که در دایره تعصب و جهل گرفتار است، مزه و حقیقت ایمان را نخواهد چشید.

تعصب گاهی در امور دینی است و گاهی در امور اجرایی و کاری. مسلمان و مؤمن، مکلف به حرکت و تلاشی است که ریشه در عقلانیت و تدبیر دارد. او از همه راه‌های رسیدن به علم و پژوهش استفاده می‌کند. و بدون پشتوانه علمی حرکتی را آغاز نمی‌کند.

۴-۳. تعصب آغاز تفرقه و پایان همدلی و اتحاد است. اگر سخن و استدلال اهل نظر مورد توجه قرار نگیرد و در تصمیم‌گیری‌ها از فکر ایشان استفاده نشود، قطعاً وحدت و همدلی حاصل نخواهد شد و این ضایعه بزرگی خواهد بود.

۴-۴. ما مکلفیم که نه خودمان متعصب

باشیم و نه اجازه بدهیم دیگران به سود ما تعصب بورزند. به عبارتی دیگر، نباید بگذاریم از ما بت بسازند. خواه فرد سیاسی باشیم، یا مذهبی یا هر کس دیگر. تعریف و تمجیدهای غلط باعث می‌شود که از ما بت بسازند. در تاریخ افرادی که به وسیله اطرافیان منحرف شدند، کم نیستند. «مدعیان مهدویت» اگر مورد تصدیق افراد جاهل‌تر از خودشان قرار نمی‌گرفتند، به گمراهی‌های بزرگ نمی‌افتادند. پس تعصب یعنی اصرار بر جهل و عدم توجه به منطق و استدلال، اصراری که مایه سقوط فرد و جامعه خواهد بود. خواه این تعصب مذهبی باشد یا قومی، سیاسی، حزبی و ...

امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «هیچ کس را نیافتم که بدون علت درباره چیزی تعصب بورزد، جز با دلیلی که با آن ناآگاهان را بفریبد و... جز شما؛ زیرا درباره چیزی تعصب می‌ورزید که نه علتی دارد و نه سببی... پس اگر به تعصب ورزیدن ناچارید، برای اخلاق پسندیده ... تعصب داشته باشید»^{۲۱}

در این روایت چند نکته حائز اهمیت است: یکد عده‌ای خود را به تعصب می‌زنند تا بتوانند افراد جاهل و نادان را بفریبند و از این طریق افکار شیطانی خود را عملی کنند.

دو: عده‌ای بی دلیل متعصب‌اند که اینان افرادی بی هدف‌اند، بلکه بازیچه دیگران قرار می‌گیرند، اما امید نجات دارند؛ زیرا بر تعصب خود آگاه نیستند و قصد انحراف دیگران را هم ندارند.

سه: تعصب در امور خیر و اخلاق پسندیده، خوب و جایز است. این همان است که به عنوان عرق دینی و ملی از آن یاد می‌کنیم.

بنابراین تعصب در نوع سوم به معنی غیرت است که پسندیده و شایسته است و همراه با شعور و آگاهی است.

۵. پرهیز از کشمکش

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: «پس از نهی از بت‌پرستی، از چیزی به اندازه کشمکش کردن با مردم نهی نشدم».^{۲۳}

کلمه «ملاحاة» که در این روایت به کار رفته و به معنی کشمکش است، مصدر ناقص یایی در باب مفاعله است. غالب استعمال این باب برای انجام کار در میان دو نفر است و «لحی» (فعل ثلاثی مجرد این باب) به معنی «پوست درخت را کند» است.^{۲۴} اما اگر گفته شود: «لحی فلانا»، یعنی «فلانی را سرزنش و ملامت کرد و به او دشنام داد و از او عیب و ایراد گرفت».

«کشمکش» در لغت فارسی مرکب از دو کلمه «کش» (امر) و «مکش» (نهی) است که

کنایه از گفتگو، جر و بحث و جنگ و نزاع است.^{۲۴}

از آنجایی که کشمکش دو طرفه است، وقتی یک طرف ماجرا شروع به ملامت و دشنام می‌کند، طرف مقابل هم کوتاه نمی‌آید و مقابله به مثل می‌کند. در واقع کشمکش باعث می‌شود که لباس حیا و ادب کنده شود؛ همان گونه که اگر پوست درخت بیش از اندازه کنده شود، قطعاً ادامه حیات این درخت در جذب مواد اولیه از خاک و تبدیل آن به میوه با مشکل مواجه می‌شود و چه بسا درخت نیز خشکیده شود. هنگامی که حرمت و حیا در مؤمنان از بین رفت، دیگر ارزش و منزلتی برای آنان باقی نمی‌ماند. بدین روی، مؤمنان وظیفه دارند که اشکالات و اختلافات خود را در فضایی صمیمی و به دور از بی‌نزاکتی و بی‌ادبی و با استدلال با یکدیگر مطرح سازند.

البته اگر زبان مشترکی هم نباشد، کشمکش اتفاق می‌افتد. بدین جهت، در آن شرایط نیز هر گونه بحث و استدلالی بی‌نتیجه است و ادامه دادن آن باعث ملال خاطر و جدال خواهد شد.

به نظر می‌رسد در عمده جریان‌هایی که به کشمکش تبدیل می‌شود، نوعی لجاجت و غرض وجود دارد که هدفش خرد کردن طرف مقابل است. گاهی جهل، هوای نفس و مقدس‌مآبی هم چاشنی آن می‌شود.

۶. نقش وحدت بین خواص

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أفامرهم الله بالاختلاف فأطاعوه أم نهامهم عنه فعصوه...»^{۲۵}

خطبه ۱۸ نهج البلاغه گوشه‌ای از استدلال امیرمؤمنان علیه السلام در خصوص کسانی است که به نام دین برای خودشان وجهه‌ای به دست آورده‌اند و برای منافع خود تا جایی پیش رفته‌اند که حتی حلال خدا را نیز حرام کرده‌اند.

در این خطبه روی سخن، آدم‌های معمولی و کوچه و بازار نیست، بلکه همه آنانی است که مردم آنها را به عنوان نمایندگان دین می‌شناسند. اختلاف و بی‌تقوایی در میان خواص اهل دین، صدمات و لطمات جبران‌ناپذیری را وارد می‌کند؛ کما اینکه از صدر اسلام تا کنون بیشترین ضربه را همین افراد منافق، خواص دنیاطلب و منتسکان جاهل زده‌اند و هر کدام از این گروه‌ها خطراتی را به همراه دارند که باید مراقب کید آنان بود. خواص دنیا طلب در «لحظة لازم» به دلیل وابستگی به ثروت، قدرت، شهرت و ... سکوت می‌کنند و حتی ممکن است کارشان به جایی برسد که چون شریح قاضی حکم قتل حسین علیه السلام را هم امضا کنند. کسانی که غائله «سقیفه» یا جنگ جمل، نهروان و صفین را به وجود آوردند، مردمان معمولی نبودند!

روی خطاب در این خطبه به خواص منحرف زمان حضرت امیر علیه السلام است؛ اما نحوه استدلال منحصر به زمان خاص نیست و می‌تواند همه زمان‌ها را در برگیرد؛ زیرا حضرت به وحدت خدا، پیامبر و کتاب اشاره می‌کند و آن را مایه وحدت می‌داند و نیز اشاره می‌کند که دین خاتم، دین ناقصی نیست و به این گونه، عقل و خرد را برای درک و فهم دین وارد می‌سازد. آن حضرت می‌خواهد بفرماید: هر گاه شما به شکل استدلالی به تقص دین رسیدید، آن وقت اختلاف کنید (که البته هرگز نخواهید رسید).

موضوعات بسیار دیگری در این خطبه - با وجود کوتاهی آن - نهفته است که طرح و تفسیر آنها به مجال دیگری نیازمند است.

۷. ملاک وحدت برای خواص

بعد از پذیرش «حکمت» در صفین، «اشعث بن قیس» - که همیشه روحیه اعتراض داشت - به حضرت عرض کرد: «ما را از حکمت نهی فرمودی، سپس پذیرفتی و داور تعیین کردی! ما نمی‌دانیم کدام یک از این دو کار درست است؟» امام علیه السلام دست افسوس را بر هم زد و سخنی ایراد فرمود که در فرازی از آن آمده است: «أین القوم الذین دعوا إلى الاسلام...»^{۲۶}

علت مشکلات عدیده و آزار و اذیت امیرمؤمنان علیه السلام در جنگ صفین، سه دسته از خواص بودند:

اول: منافقان که سر دسته آنان معاویه و عمرو بن عاص بود.

دوم: خواص مقدس مآب که نمونه آن ابوموسی اشعری بود.

سوم: خواص جاهل کزاندیش که نمونه آن اشعث بن قیس بود.

در واقع این سه جریان باعث به بن بست رسیدن صفین و سالم ماندن معاویه و تضعیف قدرت و اقتدار حضرت امیر^{علیه السلام} شدند. اما آنچه مهم است، این است که امام علی^{علیه السلام} ضمن اظهار دل تنگی برای یاران قدیمی خود، صفات برجسته آنان را بر می شمارد که اگر آن صفات در مؤمنان باشد، هیچ گاه شبیه این سه دسته نخواهند شد.

یکد «آنها که به اسلام دعوت شدند و آن را پذیرفتند». معلوم می شود مسلمانانی وجود دارند که هنوز اسلام را باور نداشته و آن را نپذیرفته اند.

دو: «قرآن تلاوت کردند و معانی آن را شناختند». این جمله می رساند که علاوه بر انس با قرآن، فهم معانی و شناخت آن هم لازم است که بدون آن، آدمی به سان «الاغی خواهد بود که بار آن کتاب است».

سه: «به سوی جهاد برانگیخته شدند و ... شیفته جهاد گردیدند». آنها اهل جهاد و عاشق آن بودند؛ یعنی اهل جان فشانی و ایثار. برای

یاری دین خدا فقط از زبان و مال استفاده نکردند، بلکه از بالاترین سرمایه خود؛ یعنی جان هم مایه گذاشتند.

چهار: «از ترس خدا، چشم هایشان گریان، از روزه داری فراوان، شکم هایشان لاغر... لب هایشان از فراوانی دعا خشک و رنگ صورتشان از شب زنده داری زرد (بود) ...».

خواص برای آنکه در بینشان تفرقه به وجود نیاید و در «لحظة لازم، حرکت لازم» را انجام دهند، می بایست این چهار صفت را داشته باشند.

۸. نقش دین و غیرت در وحدت

خطبه ۳۹ نهج البلاغه، بعد از تهاجم یکی از فرماندهان سپاه معاویه به «عین التمر» بیان شده است. در این سرزمین که سرزمین آبادی بود و در قسمت غربی فرات واقع شده بود، «مالک بن کعب» فرماندار منصوب امام علی^{علیه السلام} حضور داشت که حدود صد نیروی رزمی و اجرایی تحت اختیارش بود. «نعمان بن بشیر»، فرمانده سپاه معاویه، با دو هزار نفر به آنها حمله کرد. امیرمؤمنان^{علیه السلام} کوفیان را به جنگ فراخواند، اما آنان توجهی نکردند و این خطبه در مذمت آنان بیان شده است. آن حضرت در قسمتی از این خطبه می فرماید: «لا ابا لکم! ما تتظرون بنصرکم ربکم؟ اما دین یجمعکم؟ و لا حمة تحمسکم؟...»^{۲۷}

گاهی حضرت امیر^{علیه السلام} در خطبه ها جملاتی بیان می فرماید که شاید غیر از ایشان هیچ کس

قادر به بیان آن نبوده است. عبارت «لا ابا لکم» توهین بزرگی است که اگر به قدر سر سوزنی غیرت در وجود مخاطبان می بود، باید به خود می آمدند و برای جبران مافات، اقدامات لازم را انجام می دادند. «لا ابا لکم» یعنی بی اصل، بی ریشه، بی هویت. حضرت از آنها سؤال می کند که شما اگر می خواهید خدا را یاری کنید، در انتظار چیستید؟ دین شما اجازه دفاع نمی دهد یا غیرت شما؟

از بیان این جمله معلوم می شود که برای جلوگیری از هر گونه تجاوزی، به وحدت نیاز است. اگر به شکل اعتقادی و با تفکر الهی، گروه ها با هم متحد شوند، هم خیر دنیا را می برند و هم از ثواب آخرت بی نصیب نخواهند شد. اما اگر دین عامل پیوند آنها نباشد، پس باید به حکم غیرت، عزت و مردانگی دور هم جمع می شدند و از تجاوز دشمن دفاع می کردند. جامعه ای که نه عرق دینی دارد و نه مردانگی، بی شک مرده است.

مهم ترین آثار انسجام اسلامی

مهم ترین آثار انسجام اسلامی از دیدگاه قرآن از این قرار است:

۱. «رسیدن به آرامش و آسایش» (آل عمران / ۱۰۳: انعام / ۶۵).
۲. «برچیده شدن زمینه سلطه بیگانگان و استعمارگران» (قصص / ۴).

۳. «افزایش قدرت و هیمنه مؤمنان» (انفال / ۴۶).

۴. «تأکید بر اصول دین و جنگ زدن به ریسمان الهی و دور نشدن از آن» (آل عمران / ۱۰۳: نساء / ۵۹).

۵. «رعایت حقوق برابری و عیب جویی نکردن، و گمان باطل به یکدیگر نبردن» (حجرات / ۱۱ و ۱۲).

۶. «امر به کار شایسته و معروف و پرهیز و نهی از کار زشت و ناهنجار و منکرات» (آل عمران / ۱۰۴).

رمز استحکام و وحدت اسلامی

۱. وحدت مسلمانان، علی رغم تلاش های مستمر اجانب، برخاسته از پیوند دل های پاک و خدایی آنهاست و از این رو، این پیوند روحی، گسست ناپذیر و محکم است و تا چنین است، توطئه های دنیای غرب ره به جایی نخواهد برد. در قرون جدید قدرت های اروپایی و آمریکایی عامل اساسی این جدایی بوده اند. با همه اینها، هیچ عاملی نتوانسته است اساس این وحدت را که در روح مردم قرار دارد، از بین ببرد.^{۲۸}

به قول اقبال لاهوری:

امر حق را حجت و دعوی یکی است

خیمه های ما جدا، دل ها یکی است

از حجاز و چین و ایرانیم ما

شبنم یک صبح خندانیم ما

۲. در تعالیم دینی و متون مختلف اسلامی، کلمات و اصطلاحاتی مانند: امت، امت واحده، الفت و اخوت اسلامی، برادری دینی، وحدت اسلامی، اتحاد اسلامی، دارالاسلام و ... به کار رفته است که این مفاهیم به طور مستقیم بر اهمیت و جایگاه و نقش برجسته وحدت در جامعه اسلامی دلالت دارند. قرآن کریم با توصیه به اعتصام به حبل الله و نهی از تفرقه، به الفت و برادری و مودت میان دو طایفه اوس و خزرج و از بین رفتن عداوت و کینه دیرینه در سایه نعمت اسلام که مبنای اتحاد و همبستگی آنهاست، اشاره می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا﴾^{۳۳}

قرآن در جای دیگر، مسلمانان را به وحدت در پیروی از خدا و پیامبرش دستور می‌دهد و از تنازع و مشاجره جهت پیشگیری از سستی و زبونی و اضمحلال اقتدار و عظمتشان به طور صریح نهی می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَسَازَعُوا فَبَشِّرُوا بِمَا كُنْتُمْ أَعْدَاءً﴾^{۳۴}

پیامبر گرامی اسلام با تکیه بر مبنای اتحاد اسلامی، مدینه فاضله‌ای سرشار از عشق، صمیمیت، برادری، ایثار و تمامی فضایل انسانی ساخت که هنوز بشر در حسرت و آرزوی تحقق دوباره چنین جامعه‌ای به سر می‌برد.

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، ذلت و زبونی پس از عزت و سربلندی و در پی آن، ضعف و سستی هر ملتی را نشأت گرفته از تفرقه‌ای می‌داند که ریشه در خصومت و دشمنی دارد. از این رو، ایجاد الفت و پرهیز از تفرقه و عداوت را بر مسلمانان واجب می‌داند و می‌فرماید: «ما ذل قوم بعد العز حتى ضعفوا، و ما ضعفوا حتى تفرقوا، و ما تفرقوا حتى تباغضوا ... الواجب علی اولیائنا معاودة الائتلاف و رفض الاختلاف».

۴. بزرگ اسطوره صبر و وحدت، حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۴۶ ضمن بیان نقش محوری رهبر در جامعه، وحدت را رمز عزت و قدرت دانسته، می‌فرماید: «عرب امروز گر چه از نظر تعداد اندک‌اند، اما با نعمت اسلام، فراوان‌اند و با اتحاد و هماهنگی، عزیز و قدرتمندند».

او در فرازی از خطبه قاصعه به علل پیروزی و شکست و عزت و ذلت گذشتگان می‌پردازد و می‌فرماید: «پس آن گاه که در زندگی گذشتگان مطالعه و اندیشه می‌کنید، عهده‌دار چیزی باشید که عامل عزت آنان بود و دشمنان را از سر راهشان برداشت و سلامت و عافیت زندگی آنان را فراهم کرد و نعمت‌های فراوان را در اختیارشان گذاشت و کرامت و شخصیت به آنان بخشید، که از تفرقه و جدایی اجتناب کردند و بر وحدت و همدلی همت گماشتند و یکدیگر را به وحدت واداشتند و به آن سفارش کردند و از کارهایی که پشت آنها را شکست، و قدرت آنها

را در هم کوبید چون: کینه‌توزی با یکدیگر، پر کردن دل‌ها از بخل و حسد، به یکدیگر پشت کردن و از هم بریدن و دست از یاری هم کشیدن، پرهیزید».

راهبردهای اتحاد و انسجام

کتاب خدا می‌تواند ما را به اتحاد و انسجام برساند: ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ﴾^{۳۵}؛ یعنی مردم امت واحد بودند و بر این اساس خداوند پیامبران را فرستاد تا مردم را بشارت و بیم دهند و همراه آنان کتابی را به حق فرستاد تا میان آنها نسبت به آنچه اختلاف می‌کنند، داوری کنند. با توجه به اینکه اختلاف در میان انسان‌ها از همان ابتدای خلقت میان قبیله و هایل به وجود آمد، بنابراین نمی‌توان هیچ برهه‌ای از تاریخ را در نظر گرفت که مردم امت واحد بوده باشند. بنابراین مراد از ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾ این است که خداوند در طراحی و مهندسی تکامل انسان، وحدت جامعه را به عنوان عنصر و عامل مهم مورد توجه قرار داده و به این جهت پیامبران را فرستاده است تا با حل اختلافات مردم بر اساس کتاب الهی، میان آنان وحدت و انسجام ایجاد کنند.

قرآن برای دستیابی به اتحاد، راهکارهایی عملی نیز نشان می‌دهد که می‌توان به اموری چون: توجه به نقاط مشترک^{۳۶} و چنگ زدن به

ریسمان الهی^{۳۷} - که مصداق آن قرآن، پیامبر صلی الله علیه و آله، امامان علیهم السلام و سنت‌های ایشان است - اشاره کرد. قرآن اعتصام و چنگ زدن به ریسمان الهی را عامل مهمی برای رهایی از تفرقه و ایجاد اتحاد بر می‌شمارد؛ زیرا این کتاب آسمانی موجب می‌شود تا وحدت روشی و هدفی در میان گروه معتقد به آن پدید آید. از آنجا که بشر در هر حال، حتی اگر به قرآن تمسک جوید و راه و روش آن را ملاک و معیار قرار دهد، با اختلافاتی در حوزه تفسیری مواجه و رو به رو می‌شود، قرآن از مردمان خواسته است که در صورت ایجاد و بروز هر گونه اختلاف و نزاعی به پیامبر صلی الله علیه و آله و اولوالامر؛ یعنی اهل بیت مراجعه کنند تا آنان به عنوان مفسر و مبین به تفسیر راه و روش و هدف بپردازند.^{۳۸}

به نظر قرآن نظارت و کنترل همگانی که از آن به امر به معروف و نهی از منکر یاد می‌کند، خود راهکاری مهم برای رهایی از اختلافات جزئی و جلوگیری از خروج از راه و روش قرآنی است و بازگشت به روش و هدف درست است:^{۳۹} چنان که مراعات حقوق دیگری به عنوان حقوق برادر ایمانی، از مهم‌ترین راهکارها برای جلوگیری از اختلاف و یا تشدید آن است و اتحاد را در میان مردمان گسترش می‌دهد.^{۴۰}

نتیجه‌گیری

ایجاد اتحاد و اخوت میان ملت‌ها و آحاد مسلمانان در سراسر جهان، از اهداف و

آرمان‌های اصیل اسلام است که ریشه در قرآن و سنت و آرای اندیشمندان مذاهب اسلامی دارد. برای عملی شدن این هدف و شکل‌گیری امت واحد اسلامی که در جهت اعتلا و عزت و عظمت و اقتدار جهان اسلام است، وحدت بر محور اصول دین و مشترکات اعتقادی و دامن‌نزدن به مسائل اختلافی در این عرصه از ضروریات است.

خداوند متعال، وحدت بر محوری رهبری خدا و رسول و جانشینان آن حضرت را عامل حفظ همبستگی و اتحاد مردم معرفی می‌کند و این محوریت، می‌تواند برکات و آثار فراوانی را به ارمغان آورد.

پی‌نوشت‌ها

۱. بقره / ۱۴۳.
۲. آل عمران / ۱۰۴.
۳. همان / ۱۰۳.
۴. مائده / ۴۸؛ انعام / ۴۵؛ هود / ۱۱۸؛ نحل / ۱۶؛ شوری / ۸.
۵. آل عمران / ۱۰۳؛ انعام / ۶۵؛ المیزان، علامه طباطبائی، ج ۳.
۶. انفال / ۴۶.
۷. بقره / ۲۰۸.
۸. حجر / ۹۱؛ مجمع البیان، طبرسی، ج ۱، ص ۵۳۶.
۹. آل عمران / ۱۰۵.
۱۰. مائده / ۹۱؛ بقره / ۲۰۸؛ اعراف / ۳۸.
۱۱. توبه / ۳۶، ۶۷، ۷۱.
۱۲. انفال / ۴۶.
۱۳. آل عمران / ۱۰۵.

۱۴. انفال / ۶۳.
۱۵. آل عمران / ۱۰۳.
۱۶. شوری / ۱۳.
۱۷. انفال / ۴.
۱۸. رعد / ۱۱.
۱۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۲۸۰.
۲۰. کافی، کلینی، ج ۳، ص ۲.
۲۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲، ص ۲۷۹.
۲۲. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، ص ۴۲.
۲۳. المنجد، محمد بندر ریگی، ص ۱۶۶۵.
۲۴. فرهنگ عمید، ص ۱۰۰۹.
۲۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۸، ص ۴۲.
۲۶. همان، خطبه ۱۲۱، ص ۱۶۲.
۲۷. همان، خطبه ۳۹، ص ۶۴.
۲۸. خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید مطهری، ص ۵۱.
۲۹. آل عمران / ۱۰۳.
۳۰. انفال / ۴۶.
۳۱. بقره / ۲۱۳.
۳۲. حج / ۵؛ هجرات / ۱۳؛ آل عمران / ۶۴.
۳۳. آل عمران / ۱۰۳.
۳۴. نساء / ۵۹ و ۸۳.
۳۵. آل عمران / ۱۰۴ و ۱۰۵.
۳۶. هجرات / ۱۱ و ۱۲.

